

## فرآیند عملی تفسیر موضوعی تطبیقی

مصطفی کریمی<sup>۱</sup>

### چکیده

«تفسیر تطبیقی» به عنوان روشی نو در مطالعات قرآنی، مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته و تحقیقات متعددی با این عنوان در مسائل مختلف قرآنی و در تبیین آن سامان یافته است، ولی تلقی ناتمام از این روش تفسیری و هدف پنداشتن مقایسه برای کشف اختلاف و تشابه، مانع از تدوین فرآیند درست برای آن شده و از بهره‌وری آن کاسته است. این تحقیق با هدف فراهم‌سازی زمینه مطالعات تطبیقی در قرآن، فرآیند عملی آن را بررسی می‌کند. این فرآیند مراحل (م)، گام‌ها (گ) و قدم‌ها (ق)یی دارد که عبارت‌اند از: ۱.م. انتخاب مسئله مورد اختلاف؛ ۲.م. تعریف مسئله؛ ۳.م. تهیه ساختار؛ ۴.م. مشخص کردن طرف‌های تطبیق و گونه تقابل دیدگاه‌ها؛ ۵.م. تهیه ادبیات تحقیق؛ ۶.م. استخراج دیدگاه قرآن با عنایت به دیدگاه مفسران مورد تطبیق؛ ۶گ.۱. جمع‌آوری آیات مربوط؛ ۶گ.۱ق. به دست آوردن آیات مورد استناد و گونه آن‌ها؛ ۶گ.۱ق.۲. جست‌وجو و استخراج آیات با انواع دلالت‌ها، با بهره‌گیری از شیوه لفظی و مفهومی و استفاده از ابزارها و منابع گوناگون و دسته‌بندی آن‌ها؛ ۶گ.۱ق.۳. قدم سوم: قضاوت در مورد آیات مورد استناد مفسران با توجه به آیات جمع‌آور شده؛ ۶گ.۲. فهم آیات و ارزیابی فهم مفسران از آیات مورد استناد خود؛ ۶گ.۱ق.۱. فهم آیات در جایگاه خود، با کسب اطمینان از قرائت، معانی واژگان و موقعیت ادبی آن‌ها و عبارت‌آیات، کشف مفاد استعمالی و مراد جدی آیات؛ ۶گ.۱ق.۲. ارزیابی فهم مفسران مورد تطبیق از آیات و اختلاف آن‌ها؛ ۶گ.۱ق.۳. مشخص کردن حد دلالت آیات و قضاوت درباره فهم مفسران با توجه به عوامل اختلاف تفسیر؛ ۶گ.۳. استخراج دیدگاه قرآن با توجه به نظر مفسران مورد تطبیق؛ ۶گ.۱ق.۳. ملاحظه جمعی آیات همسو؛ ۶گ.۱ق.۲. باهم دیدن آیات متعارض و حل تعارض؛ ۶گ.۱ق.۷. ارزیابی دیدگاه مفسران مورد نظر.

واژگان کلیدی: تفسیر تطبیقی، تفسیر موضوعی، فرآیند تفسیر تطبیقی، نظریه‌پردازی قرآنی، فهم مفهوم مجموعی آیات، اختلاف مفسران.

## مقدمه

چند سالی است در مؤسسات علمی حوزوی و دانشگاهی، رشته یا تک‌ماده درسی به نام «تفسیر تطبیقی» شکل گرفته و تدریس می‌شود و تحقیقاتی نیز با این عنوان در مسائل مختلف قرآنی سامان یافته است. بسیاری از این تدریس‌ها و نگاه‌ها به تفاسیر تطبیقی از بهره‌وری مناسب برخوردار نیستند؛ این نقص به تلقی نادرست از این روش تفسیری و هدف پنداشتن مقایسه میان تفاسیر برای کشف اختلاف و تشابه برمی‌گردد؛ حال آن‌که هدف از «تفسیر تطبیقی»، فهم درست بوده و مقایسه، روش آن است. این تلقی نادرست موجب شده فرآیند و مراحل مناسبی برای آن تدوین نشود. به عنوان نمونه، مراحل‌ای که برای آن شمرده شده، عبارت‌اند از: تعریف مسئله، تحدید دامنه تطبیق، استقصای (بررسی و تحقیق) حداکثری وجوه و موارد تمایز و تشابه، عبور از موارد تشابه ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی، تبیین مواضع خلاف و وفاق (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷). مقاله دیگری نیز مراحل آن را چنین می‌شمارد: تبیین محدوده تطبیق، نقل دقیق مستند و منابع هر دیدگاه تفسیری، تبیین و تفکیک وجوه تمایز و تشابه به گونه‌ای روشن، تبیین ادله و مستندات و بررسی و نقد عالمانه هر دیدگاه تفسیری (بر اساس مبانی مشترک و مبانی خاص) (عسگری و شاکر، زمستان ۱۳۹۴، ص ۶-۱۵)، این نوع فرآیند و مراحل، مناسب «تطبیق تفاسیر» است نه «تفسیر تطبیقی».

«تفسیر قرآن» دو شیوه کلی دارد: تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی. تفسیر ترتیبی عبارت است از تلاش برای رفع حجاب از آیات قرآن و فهم مراد الهی از آن‌ها. آن چه در تفسیر کشف می‌شود، در مواردی مفهوم آیه است و گاه مصداق؛ بنابراین، تفسیر شامل «تطبیق» به معنای مشخص کردن مصداق یک مطلب کلی نیز می‌شود. شهید صدر این فهم قرآن را «تفسیر المعنی» در مقابل «تفسیر اللفظ» می‌خواند؛ زیرا در این موارد معانی لغوی واژگان روشن است ولی، تطبیق آن‌ها بر مصداق نیاز به تلاش دارد (الحکیم، ۱۴۲۸ق، ص ۲۸).<sup>۱</sup>

تفسیر موضوعی که از آن به «نظریه پردازی قرآنی» نیز یاد می‌شود، عبارت است از: «استنباط دیدگاه قرآن در موضوع یا مسئله خاص، از طریق جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام آیات مربوط و استنتاج روش مند آن‌ها» (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸-۱۱۴).

این پژوهش، فرآیند تفسیر تطبیقی موضوعی را بررسی می‌کند؛ زیرا اولاً، تفسیر ترتیبی به عنوان یکی از مراحل در خود دارد؛ ثانیاً، در زمینه سازی هدایت به قرآن نقش پررنگی دارد؛ ثانیاً، اختلاف مفسران موضوعی بیشتر از تفسیر ترتیبی است و عمل تطبیق در این شیوه بیشتر نمود دارد.

۱. چنان‌که در مقدمه کتاب آمده، مطالب آن درس‌های شهید صدر در دانشکده اصول دین بغداد می‌باشد که مؤلف تدوین کرده است.



تطبیق از ماده «طبق» به معنای نهادن شیء گسترده‌ای بر چیزی مانند خودش است، به طوری که آن را کاملاً بپوشاند (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ماده «طبق»). «تفسیر تطبیقی» در عربی، به معنای کاربردی کردن تعالیم قرآن در زندگی است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ص ۶۴۱)؛ اما در فرهنگ فارسی، به معنای مطالعه مقایسه‌ای در حوزه تفسیر است که قید «تطبیقی» آن به روش اشاره دارد. مراد ما از «تفسیر تطبیقی» تلاش برای استنباط دیدگاه قرآن با مطالعه مقایسه‌ای است.

فرآیند، مجموعه مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص است که با یک فعالیت مشخص آغاز می‌شود و با یک فعالیت معین پایان می‌یابد. و «فرآیند تفسیر تطبیقی موضوعی» عبارت است از: «مجموعه‌ای از مراحل مترتب برهم که محقق قرآنی باید برای استنباط دیدگاه قرآن در مسئله یا موضوع خاص را، به روش مطالعه مقارنه میان دیدگاه‌های مفسران طی کند.» برای روشن شدن فرآیند تفسیر موضوعی تطبیقی شکل دقیق، تمام مراحل آن، گام‌های هر مرحله و قدم‌های هر گام را به ترتیب منطقی بیان می‌کنیم و در کدام بعد از بیان مسئله، راهکار انجام و آسیب‌های آن را بررسی می‌کنیم.

### مرحله اول: انتخاب مسئله مورد اختلاف

یکی از مراحل اساسی تفسیر تطبیقی انتخاب مسئله است که راهکارهای آن عبارت‌اند از: ۱. مواجهه با مشکل و موضوع؛ ۲. تبدیل موضوع به مسائل؛ ۳. توزین و گزینش مسئله تحقیق. ویژگی‌های مسئله شایان تحقیق عبارت‌اند از: ۱. وجود اختلاف نظر جدی درباره آن میان مفسران مورد نظر، مانند «مصدق اولی الامر در قرآن»؛ ۲. مفید و تأثیرگذار؛ ۳. جزء قلمرو موضوعی قرآن؛ ۴. جزئی.

### مرحله دوم: تعریف مسئله و واژگان اصلی آن

تعریف مسئله و مفاهیم اصلی عنوان، افزون بر دادن تصور درست به مفسر تطبیقی و فراهم‌سازی زمینه تهیه ساختار مناسب، به مطالعه اکتشافی آیات و قضاوت درباره نظر مفسران کمک می‌کند. اقدامات لازم در این باره عبارت‌اند از: ۱. مشخص کردن گونه مفهوم؛ از جهت عرفی بودن، تخصصی بودن و تبار آن، (قراملکی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸۸)، اصطلاح دینی، حقیقت شرعی یا حقیقت قرآنی. ۲. استفاده از گونه‌های تعریف مناسب مانند معادل‌گذاری لفظی، تعریف توصیفی، تعریف تحلیلی، تعریف مصداقی، تعریف قلمروی با مشخص کردن مرزهای مسئله و تعریف اصطلاحی. در این مرحله باید مواظب بود تا واژگان قریب‌المعنی را به جا هم استفاده نشود.

### مرحله سوم: طراحی ساختار مناسب با تحقیق تطبیقی

تهیه ساختار، مشخص کردن قسمت‌های مختلف تحقیق، جایگاه هر یک و چینش نظام‌مند عناوین است. در این ساختار باید تطبیقی بودن تحقیق قرآنی به درستی نمود داشته باشد. تهیه ساختار درست، افزون بر برخورداری از فواید مترتب بر ساختار تحقیقات دیگر، به محقق کمک می‌کند، به آیات بیشتری در باب مسئله دست یازد و دقت مفسران مورد نظر در طراحی آشکار شود. راهکار تهیه ساختار عبارت‌اند از: ۱. مشخص کردن گونه تحقیق (تعریف، توصیف، توصیه، تبیین یا توجیه)؛ ۲. تهیه ریزعناوین از طریق تجزیه مسئله و استخراج عناصر اصلی آن، مطالعه فهرست مطالب منابع و طرح پرسش‌های متعدد درباره مسئله؛ ۳. دسته‌بندی و مرتب‌سازی ریزعناوین با ترتیب منطقی. در تهیه ساختار باید از آسیب قطعی پنداشتن آن و تحمیل بر قرآن دوری جست.

### مرحله چهارم: مشخص کردن طرف‌های تطبیق و گونه تقابل دیدگاه آن‌ها

متناسب با مسئله، دو یا چند مفسر، تفسیر و یا مذهب تفسیری برای تطبیق نظرات آن‌ها انتخاب می‌شود. مثلاً اگر مسئله کلامی است، برای تطبیق از تفاسیر، مفسران یا فرق کلامی انتخاب شود. ملاک در این انتخاب وجود اختلاف جدی در مسئله است. حتی ممکن است این اختلاف بین مفسران یک مکتب مذهبی یا فکری باشد.

بعد از مشخص کردن طرف‌های تطبیق، نوبت به تشخیص نوع تقابل میان دیدگاه می‌رسد. برای تشخیص درست نوع تقابل میان دیدگاه‌ها، باید آخرین دیدگاه مفسران را به دست آورد.

ضرورت تشخیص نوع تقابل به این جهت است که برخی موارد دو دیدگاه متقابل قابل جمع هستند. تقابل میان دو نظر که به صورت قضیه بیان می‌شود در صورتی است که از لحاظ موضوع و محمول یکسان، ولی از جهت سور یعنی کلی یا جزئی بودن یا نسبت یعنی ایجاب یا سلب حکم از موضوع و یا هر دو متفاوت باشند. اقسام تقابل عبارت‌اند از:

**الف) تناقض:** دو قضیه متناقض در سور و حکم باهم اختلاف دارند و اجتماع و ارتفاع آن دو محال است. در تناقض وحدت در این امور شرط است: ۱. موضوع؛ ۲. محمول؛ ۳. زمان؛ ۴. وحدت در شرط؛ ۵. وحدت در نسبت؛ ۶. جزء و کل؛ ۷. وحدت در قوه و فعل؛ ۸. وحدت در مکان؛ ۹. وحدت در حمل (به حمل اولی و به حمل شایع بودن)؛ (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۹)؛ ۱۰. جهت قضیه؛ ۱۱. نوع قضیه.



ب) تضاد. دو قضیه متضاد در سور یکسان و در حکم متفاوت اند. یعنی یکی موجبة کلی و دیگری سالبة کلی است. صحت هر دو قضیه متضاد محال است.

ج) تداخل. دو قضیه متداخل در حکم مساوی و در سور متفاوت اند. دو قضیه متداخل موجبه اند و یکی جزئی و دیگری کلی است. و چون جزء در کل داخل است، پس دو قضیه متداخلین می توانند صادق باشند؛ لکن یکی کامل تر است.

د) تداخل تحت تضاد. دو قضیه متداخل تحت تضاد در کم، آن هم جزئی، متحدند؛ ولی حکم متفاوت دارند. ممکن است هر صادق دو باشند؛ ولی هر دو کاذب نمی باشند. این نوع تقابیل بین دو دیدگاه مشکل ساز نیست.

نتیجه این که در صورتی دو دیدگاه به عنوان دیدگاه های تطبیقی انتخاب می شود که متناقض، متضاد یا متداخل باشند.

### مرحله پنجم: تهیه ادبیات تحقیق

در تفسیر موضوعی تطبیقی افزون بر آگاهی از پیشینه تحقیقات انجام شده در باره مسئله، تحقیقات انجام شده به شکل تطبیقی نیز باید دقیق و نقادانه شناسایی و بررسی شود. این امر، افزون بر شناخت قوت و کاستی های آن ها، در مطالعه اکتشافی آیات به محقق کمک شایان می کند. پیشینه تحقیق از این سه جهت بررسی و گزارش می شود: الف) از جهت مقدار پوشش مسأله تحقیق؛ ب) از جهت اختلاف رویکردها؛ ج) از جهت قوت و ضعف. در پیشینه شناسی نباید شتاب کرده و به منابع دم دستی و درجه چندم و گزارش شناسنامه ای منابع بسنده کرد.

### مرحله ششم: استخراج دیدگاه قرآن با عنایت به دیدگاه مفسران مورد تطبیق

در این مرحله باید گام های فرآیند استخراج دیدگاه قرآن را با عنایت به عوامل تقابیل دیدگاه، درست طی کرد. گام های این مرحله عبارت اند از:

### گام اول: جمع آوری آیات مربوط

آیات مواد اصلی نظریه پردازی قرآنی است و باید تمام آن جمع آوری شود؛ زیرا گاه غفلت از یک آیه بخشی از دیدگاه قرآن را در هاله ای از ابهام فرو می برد و تصویر ناتمام از نظر قرآن پیش می نهد.

این مرحله چند قدم دارد که عبارتند از: به دست آوردن دیدگاه مفسران، وجود اختلاف میان آن‌ها و گونه آن، انجام صحیح آن مرحله و قضاوت در آیات مورد جمع آوری شده توسط مفسران با توجه به عوامل اختلاف.

### قدم اول: به دست آوردن آیات مورد استناد و گونه آن‌ها

در این قدم دو کار ذیل باید انجام گیرد:

۱. به دست آوردن آیات مورد استناد طرف‌های تطبیق. لازم است با مطالعه منابع مفسران مورد نظر، آیات مورد استناد آن‌ها را به دست آورد.

۲. مشخص کردن وجود اختلاف در آیات مورد استناد طرف‌های تطبیق و گونه آن. با دقت در آیات مورد استناد طرف‌های تطبیق، باید مشخص کرد، آیا با هم اختلاف دارند یا نه. در صورت وجود اختلاف در آیات مورد استناد، باید نوع اختلاف و نسبت آن‌ها را مشخص کرد. آیات مورد استناد مفسران یکی از چهار نسبت را خواهند داشت که عبارتند از:

۱. تساوی. در این شکل آیات مورد استناد طرف‌های تطبیق عین هم هستند و اختلافی در میان نیست.

۲. تباین. این نسبت در صورتی است که آیات مورد استناد طرفین کاملاً متفاوت بوده و هیچ وجه اشتراک ندارند.

۳. عموم و خصوص مطلق: این نسبت در صورتی است که یکی از طرفین تنها بخشی از آیات مورد استناد دیگر را آورده است.

۴. عموم و خصوص من وجه: این شکل وقتی خواهد بود که به پاره‌ای از آیات هر دو استناد کرده‌اند و با این حال هر یک آیاتی را آورده‌اند که دیگر نیآورده است.

### قدم دوم: استخراج آیات و دسته‌بندی آن‌ها

برای اطمینان از دستیابی به تمام آیات باید همه گونه‌های آیات را، با استفاده از همه شیوه‌های و ابزارها گردآورد.

### ۱. جستجوی گونه‌های مختلف آیات مرتبط

گونه‌های آیات مرتبط با مسئله تحقیق عبارت‌اند از:



### ۱-۱. آیات با انواع دلالت‌های منطوقی و مفهومی

معنای منطوقی، که لفظ به لحاظ نطق بر آن دلالت دارد و مستقیماً از آن فهمیده می‌شود (ر.ک: حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۶) یا صریح است که شامل مطابقی و تضمینی می‌شود یا غیر صریح که دلالت‌های التزامی مانند اقتضایی، تنبیهی و اشاری است (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۸). مدلول اقتضایی، معنایی است که لفظی برای آن نیامده است؛ ولی قصد شده و کلام بدون آن دلالت، صادق و صحیح نیست. مدلول تنبیهی، معنایی است که بدون وجود لفظ دال بر آن، از سیاق سخن استفاده می‌شود و گوینده آن را اراده کرده است. مدلول اشاری، معنایی غیر آشکار بوده و از سنخ لزوم بین به معنای اعم یا از سنخ لزوم غیر بین است. خواه این مدلول از یک جمله یا یک آیه و یا مجموع چند جمله یا چند آیه استنباط شود (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۴). در پاره‌ای از روایات چنین استفاده‌ای از چند آیه شده است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

مفهوم، معنایی است که لفظ به لحاظ نطق بر آن دلالت ندارد؛ ولی از کلام استنباط و فهمیده می‌شود. مفهوم دو گونه است:

۱. مفهوم موافق، که مدلول در آن موافق منطوق است؛ ۲. مفهوم مخالف، که در مدلول از جهت نفی و اثبات مخالف منطوق است که عبارت‌اند از: مفهوم شرط، مفهوم حصر، مفهوم غایت، مفهوم عدد، مفهوم وصف، مفهوم لقب، مفهوم زمان و مفهوم مکان. تنها مفهوم شرط، مفهوم غایت و مفهوم حصر حجت است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۴).

### ۲-۱. آیات توصیفی و آیات دستوری

میان «باید» و «نباید» و «هست» و «نیست» قرآن ارتباط منطقی هست (جوادی آملی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۸۵ - ۳۸۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۸ - ۶۱)؛ زیرا در خود متعلق دستورالعمل‌ها و احکام قرآن مصلحت و مفسده واقعی هست، مگر این‌که ثابت شود، حکم الهی برای امتحان و تقویت روحیه بندگی بوده است. در نتیجه اولاً، می‌توان از گزاره‌های انشائی قرآن، به گزاره‌های توصیفی رسید و ثانیاً، از گزاره‌های توصیفی آن دستورالعمل استنباط کرد. بنابراین هنگام تحقیق قرآنی از مسائل هنجاری، جمع‌آوری آیات توصیفی و برعکس ضروری است.

### ۳-۱. آیات متناظر

قرآن در آیه ۲۳ سوره زمر، خود را «مثنائی» می‌خواند که دلالت دارد، گزاره‌های آن متناظرند.

بنابراین در نظریه پردازی قرآنی، افزون بر آیات مرتبط لفظی و معنایی، باید آیات متناظر هم گردآوری شود. گونه‌های آیات متناظر عبارت‌اند از: آیات عام و خاص؛ ۲. آیات مطلق و مقید؛ ۳. آیات ناسخ و منسوخ؛ ۴. آیات محکم و متشابه؛ ۵. آیات مفهوم و مصداق؛ ۶. آیات مجمل و مفصل؛ ۷. آیات مبهم و مبین؛ ۸. آیات حقیقت، مجاز.

#### ۴-۱. آیات با دلالت استقلالی و آیات با دلالت پیوندی

برخی از فرازهای قرآن، معنایی مستقل و غیر از معنای حاصل از پیوندهای متنی و فرامتنی، دارند (ر.ک: اسعدی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۳، ۱۵ و ۲۰۷). نظریه پرداز قرآنی باید این آیات را نیز جمع‌آوری کند. البته معنای مستقل فرازها، نباید مخالف معنای سیاقی فراز، معنای آیات دیگر و روایات قطعی و واقع خارجی باشد.

#### ۵-۱. آیات با معنای ظاهری و معنای باطنی

قرآن افزون بر ظاهر، معنای و مصادیق باطنی دارد که دلالت و انطباق آیات بر آن‌ها آشکار نیست. برخی مراتب باطن آیات از دلالت عرفی فراتر بوده و تنها پیامبر و ائمه اهل بیت علیهم السلام توان فهم آن را دارند. (بابایی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۲۰) آیات مربوط به دلالت باطنی را نیز باید جمع‌آوری کرد.

#### ۲. بهره‌گیری از همه شیوه‌های جستجوی آیات

به دو شیوه کلی لفظی و مفهومی می‌توان آیات را شناسایی و استخراج کرد:

##### ۲-۱. جستجوی لفظی آیات

در این شیوه، واژگان ذیل جست‌وجو می‌شود:

الف) واژه اصلی عنوان: در صورت غیرعربی بودن واژه باید معادل عربی آن را در قرآن جستجو کرد. اگر واژه مورد نظر چند معنا و کاربرد قرآنی داشته باشد؛ باید تنها آیه‌ای جمع‌آوری شود که آن واژه را در معنای مورد نظر به کار برده است. اگر مسئله غیر قرآنی است، باید نخست معادل قرآنی آن را پیدا کرد ب) واژگان هم‌خانواده: مانند افعال، اسامی و مشتقات دیگر. همچنین در کنار آیات مربوط به فرد و مصداق مورد نظر، آیات مربوط به تمام افراد و جنس و برعکس نیز باید استخراج شود. ج) واژگان مترادف و قریب‌المعنی. صرف نظر از اختلاف در وجود مترادف در زبان عربی (ر.ک:





سیوطی، بی تا (۲)، ج ۱، ص ۳۷) و در قرآن (ر.ک: عوده، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲)، پاره‌ای از واژگان قرآن قریب‌المعنی هستند. باید از طریق کتب مترادفات مانند «فقه‌اللغة» و «جوه و نظایر»، واژگان مترادف و قریب‌المعنی با عنوان را شناسایی و در قرآن جست‌وجو کرد.

د) **واژگان متضاد:** در برخی موارد قاعده مشهور «تُعرف الاشياء باضدادها»؛ کارساز است و برای شناخت ویژگی‌های یک مسئله، آگاهی از امور متضاد با آن کمک می‌کند. از این رو، در بررسی مسائل قرآنی، افزون بر آیات در بردارنده آن مسئله، آیات مربوط به واژگان متضاد آن نیز جست‌وجو می‌شود.

## ۲-۲. جست‌وجوی مفهومی در آیات

جست‌وجوی مفهومی نیز لازم است؛ زیرا قرآن از برخی مسائل، بدون استفاده از لفظ آن، سخن گفته است. مانند آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ...» (آل عمران، ۶۴) این آیه بدون کاربرد واژه آزادی، با عبارت «وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا» آزادی معنوی را مطرح کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۷ش، ص ۴۳۸ و ۴۳۹).

## ۳. استفاده تمام ابزارها و منابع جست‌وجوی آیات

برای اطمینان از جمع‌آوری تمام آیات، باید از همه ابزارها استفاده کرد. این ابزارها عبارت‌اند از: الف) **معاجم لفظی.** حتماً باید از معاجم لفظی مانند معجم المفهرس لألفاظ القرآن استفاده کرد؛ زیرا ممکن است در برخی واژگان اشتقاق کبیر یا اکبر صورت بگیرد و یا به‌گونه‌ای اعلال صرفی محقق شود که نتوان از طریق جست‌وجوی حروف ماده صرفی در متن قرآن، آیات مربوط را یافت.

ب) **معاجم موضوعی.** این معاجم قرآن، آیات را بر اساس موضوعات و مسائل دسته‌بندی کرده است که به صورت فرهنگ‌ها، معاجم و تصانیف قرآنی تدوین شده‌اند. مانند «فرهنگ قرآن؛ کلید راه‌یابی به موضوعات و مفاهیم قرآن».

ج) **تفاسیر موضوعی جزء‌نگر و جامع:** در استفاده از تفاسیر موضوعی سیستمی؛ به جهت منظم بودن عناوین، کار آسان است؛ ولی استفاده از تفاسیر جامع غیر سیستمی که در آن مسائل نظم خاص ندارد، کمی مشکل بوده و باید جلد یا قسمت مربوط به مسئله را با دقت پیدا کرد.

د) **معاجم روایات تفسیری (تفسیر روایی محض):** تفسیر روایی محض ابزار رسیدن به روایات تفسیر و معانی و مصادیق باطنی آیات از طریق روایات باطنی‌اند.

ه) مطالعه دقیق کل قرآن: کل قرآن از اول تا آخر باید مطالعه شود. هنگام مطالعه آیات، یکی از این سه حالت پیش می‌آید: ۱. یقین به وجود ارتباط؛ ۲. یقین به عدم ارتباط؛ ۳. شک نسبت به ارتباط آیه با مسئله. تنها در حالت سوم تأمل اضافی ضرورت دارد. در جداسازی آیات هنگام گردآوری، باید پیوستگی ادبی میان فرازها حفظ شود (ر.ک: پیروزفر و جمالی‌راد، ۱۳۹۲ش، ص ۸۶-۱۰۰؛ ص ۹۴-۹۶).

### قدم سوم: قضاوت در مورد آیات مورد استناد مفسران با توجه به آیات جمع‌آور شده

در این قدم محقق با مقایسه آیات مورد استناد مفسران مورد نظر با آیاتی که خود استخراج کرده است، در باره صحت کار آن‌ها قضاوت می‌کند. آیات مورد استناد هر چقدر با آیات جمع‌آوری شده بیشتر هم‌پوشانی بیشتری داشته باشد، دقیق‌تر است. اگر نسبت هردو تساوی است، معلوم می‌شود هر دو مفسر کارشان را به خوبی انجام داده‌اند و اگر تنها نسبت آیات مورد استناد یکی از مفسران با آیات جمع‌شده مساوی بود، کار ایشان صحیح و کار دیگر ناتمام است.

### گام دوم: تفسیر آیات و ارزیابی فهم مفسران از آیات مورد استناد خود

این گام طی دو قدم انجام می‌گیرد: ۱. فهم آیات جمع‌آوری شده در جایگاه خود؛ ۲. ارزیابی فهم مفسران از آیات مورد استناد ایشان با عنایت به اختلاف آن‌ها.

#### قدم اول: فهم آیات در جایگاه خود

آیات باید در جایگاه خود به درستی فهم شود؛ از این رو تفسیر ترتیبی تطبیقی از مهم‌ترین مراحل تفسیر موضوعی تطبیقی است. فهم معانی و مصادیق باطنی آیات از طریق روایات معصوم به دست می‌آید (الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۲۲۸). اما فهم ظاهر قرآن با طی فرآیند صحیح تفسیر ترتیبی ممکن است. این فرآیند متشکل از قدم‌هایی است که عبارت‌اند از: ۱. اطمینان از الهی بودن متن و قرائت آیه؛ ۲. شناخت معانی واژگان آیه؛ ۳. مشخص کردن جایگاه ادبی واژگان و جملات؛ ۴. دست‌یابی به مراد استعمالی آیه؛ ۵. دست‌یابی به مراد جدی آیه. قرآن‌پژوه تطبیقی، با بهره‌گیری از سخنان مفسران مورد نظر، هریک از قدم‌ها را با عنایت به راهکارهای مطرح‌طی می‌کند.

#### اول: اطمینان از الهی بودن قرائت آیه

برای فهم هر متنی نخست باید از استناد آن به صاحبش اطمینان حاصل کرد (مطهری، ۱۳۸۴ش،



ص ۲۷). به یقین قرآن موجود، وحی خداوندی است و مراحل مختلف انتقال آن، از هر خطا و دستبردی به دور بوده (کریمی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۷۱-۲۶۸) و تحریف نپذیرفته است (الطوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳). اما قرائت آیات، یعنی چگونگی تلفظ حروف، کلمات و عبارات آن‌ها قصه دیگری دارد و میان مفسران مورد اختلاف است. علمای اهل سنت با استناد به روایت «انزل القرآن علی سبعة احرف» (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳، ح ۳۰۸۵) برای قرآن هفت قرائت باور دارند (ر.ک: الزرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۳۶-۴۳۷)؛ ولی طبق روایت امام محمد باقر علیه السلام «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (ر.ک: الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۲ و ۱۳). برخی از قرآن پژوهان شیعی قرائت موجود را همان قرائت واقعی می‌دانند (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ لکن بعضی دیگر بر این باورند که در مواردی چنین نیست.

محقق تطبیقی قرآن باید با استفاده از ادله و شواهد مفسران مورد نظر، مبنای خود را در مسئله مشخص سازد. اگر در مواردی قرائت موجود را همان قرائت واقعی نمی‌دانند، در صورت وجود قرائتی مشهور غیر از قرائت موجود، باید با استفاده از راهکار درست، به قرائت واقعی آیات برسد. آن راهکارها عبارت‌اند از: ۱. مطابقت با روایت متواتر یا روایت همراه با قرینه قطعی؛ ۲. مطابقت با شهرت در صدر اسلام؛ ۳. سازگاری با قواعد ادبی فصیح؛ ۴. سازگاری با مسلمات دینی و عقلی؛ ۵. مطابقت با سیره عملی مسلمانان (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۳-۴۵). اگر قرائت واقعی کشف نشد، در صورت وجود معنای جامع یا قدر متیقن بین قرائت‌ها، باید قرائت متضمن معنای جامع یا قدر متیقن، اخذ شود. اما اگر قدر جامع یا قدر متیقن در میان نباشد، باید آیه را احتمالی معنا کرد.

## دوم: شناخت معانی واژگان

محقق تفسیر تطبیقی، برای رسیدن به معنای واژگان در قرآن، با استفاده از نظرات مفسران مورد نظر، راهکارهای زیر را باید پیگیری کند:

۱. تشخیص گونه واژگان از نظر اسم، فعل یا حرف و نوع اسم و فعل: اسم جامد یا مشتق است. اسم مشتق به شکل‌های مختلف مانند اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، صیغه مبالغه به کار می‌رود که هر یک معنایی متفاوتی دارند. فعل نیز به شکل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، انکار به کار می‌رود و باب‌های مزید گوناگونی دارد و معانی آن‌ها باهم تفاوت دارند.

۲. به دست آوردن ریشه اصلی واژگان: ریشه اصلی واژگان غیر جامد را باید پیدا کرد و ال تفسیر

دچار خطا می‌شود.

۳. به دست آوردن معنای ریشه‌ای و کاربردها و کاربرد مورد نظر از واژگان: در صورت تعدد ریشه معنایی، باید با استفاده از قراینی مانند کاربرد زیاد آن توسط اهل آن زبان، یکی از آن‌ها را معین ساخت (ر.ک: الحلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۲۴). در صورت نبود قرینه، مشترک لفظی مجمل شده و مشترک معنوی بر همه مصادیق حمل می‌شود.

لازم است، معنای واژگان قرآن را در زمان نزول قرآن به دست آورد؛ زیرا اولاً، ارتباط فرهنگی مسلمانان با جوامع دیگر، گاه معنای جدیدی بر قامت برخی واژگان پوشانده است؛ ثانیاً، باید قرآن برای مخاطبان نخستین قابل فهم باشد. همچنین در معناشناسی واژگان قرآن باید از خود قرآن، روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، احادیث صحابه و تابعان و متون ادبی عصر نزول استفاده کرد.

۴. کشف معانی حقیقت قرآنی و تحول یافته: به رغم بهره‌گیری قرآن از واژگان عربی؛ در پرتو سیاق‌های قرآنی و قراین درونی، بر قامت برخی واژگان معانی نو اشراب شده و به حقیقت قرآنی تبدیل شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۷۲). مانند صلاة، سجود، صیام، حج، زکات، صراط و قلب (عوده، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲). معنای این واژگان تنها با مراجعه به منابع لغوی و کاربردهای زمان نزول به دست نمی‌آید. پاره‌ای از واژگان قرآن نیز با قرار گرفتن در داخل حوزه‌ای از کلمات، معنای نسبی پیدا کرده‌اند (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۱۳ و ۱۸۱۷). از این رو برای به دست آوردن معنای قرآنی واژگان آیات باید افزون بر توجه به میدان معنایی آن، از شیوه‌های مختلف مانند توجه رابطه هم‌نشینی و جانشینی و تقابل نیز استفاده کرد.

### سوم: تشخیص موقعیت ادبی واژگان و عبارت‌ها در آیات

با تفاوت موقعیت واژگان در ساختار ادبی جمله و موقعیت جمله در عبارت چندجمله‌ای، معانی متفاوت خواهد بود. همچنین انواع جمله‌های عاطفه، استینافیه، حالیه، اسمیه و فعلیه کاربردهای کنایی و مجازی، تشبیه‌ها معنای متفاوت دارند. از این رو مفسر تطبیقی باید با استفاده از نظرات مفسران مورد نظر، باید موقعیت ادبی آن‌ها را به دست آورد. برای این کار، باید از فصیح‌ترین قواعد ادبیات عرب استفاده کرد؛ زیرا قرآن به زبان عربی بوده و از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است (ر.ک: الدراز، ۱۳۹۴ق، ص ۲۰-۳۲). البته در صورت مخالفت قرائت قطعی قرآن با قاعده ادبی، آن قرائت مقدم می‌شود؛ زیرا اولاً، قواعد ادبی بعد از نزول قرآن تدوین شده (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰) و قرآن از مستندات آن است. ثانیاً، قرآن سخن خداوند آگاه به حقایق بوده و اعجاز در فصاحت و بلاغت



دارد (الفراء، ۱۹۸۰م، ص ۱۴). از این رو، ابن مالک تقدم حال بر ذوالحال مجرور شده به حرف جرّ را جایز دانسته و آورده است: وسبق حال ما بحرف جرّ قد أبوا ولا أمنعه فقد ورد (ر.ک: السیوطی، بی تا، ۱)، ص ۲۲۹.

#### چهارم: کشف مفاد استعمالی آیات

مفاد استعمالی، اراده صاحب سخن بر استعمال واژگان هیأت‌ها در معانی موضوع‌له آن‌ها است. اصل بر این است که موضوع‌له واژگان و ساختارها اراده شده است؛ مگر قرینه برخلاف باشد (مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۱۲۰)؛ بنابراین محقق تفسیر تطبیقی، با توجه به دیدگاه مفسران مورد نظر، برای به دست آوردن مفاد استعمالی آیات باید دو امر زیر را انجام دهد:

اول، در نظر گرفتن قرینه پیوسته لفظی که همان سیاق است. سیاق نوعی ویژگی برای کلمه و جمله است که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید. قرینه بودن سیاق برای فهم، از اصول محاوره عقلایی بوده (ر.ک: الزرکشی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۹) و دو شرط دارد: پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۴-۱۴۲).

دوم، در نظر گرفتن قراین پیوسته غیرلفظی که عبارت‌اند از: ۱. فضای نزول که شامل سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان نزول و مکان نزول می‌شود. ۲. اوصاف الهی؛ ۳. ویژگی‌های مخاطب که هنگام سخن مورد عنایت متکلم بوده است؛ ۴. ویژگی‌های مورد توجه گوینده و شنونده از موضوع سخن؛ ۵. لحن سخن؛ ۶. مقام سخن؛ ۷. معارف عقلی بدیهی (ر.ک: رجیبی، ۱۳۸۳ش، ص ۹۴).

#### پنجم: به دست آوردن مراد جدی الهی از آیات

اصل بر این است که گوینده سخن در مقام انتقال معنا، جدی بوده و مفاد استعمالی را نیز قصد کرده است؛ مگر قرینه‌ای برخلاف باشد (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵). از این رو محقق تطبیقی برای فهم مراد جدی خداوند از آیات، با عنایت به سخن مفسران مورد نظر، باید دو کار زیر را انجام دهد:

اول: توجه به قراین ناپیوسته لفظی، که عبارت‌اند از: ۱. آیات دیگر (ر.ک: الطباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۵۶)؛ ۲. سخنان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اهل بیت (ع) (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۲۹).

دوم: در نظر گرفتن قراین ناپیوسته غیرلفظی که عبارت‌اند از: ۱. معارف نظری یقینی عقلی؛ ۲. ضروری دین و مذهب (ر.ک: شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۴۳ و ۳۴۴)؛ ۳. اجماع به معنای اتفاق علمای امت بر یک مسئله که متضمن قول معصوم است (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲۱-۲۲۷).

توجه: با عنایت به «ذو وجوه» بودن قرآن (رک: نهج البلاغه، نامه ۷۷)، برخی آیات در نگاه نخست معانی متعددی را برمی تابد که باید طبق بیان پیامبر مکرم اسلام ﷺ آن را به بهترین وجه حمل کرد (الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳). حال که در این گام آیات مربوط به مسئله در جایگاه خود فهم شد، باید ارتباط هریک از آیات با مسئله را بررسی کرد و آیات غیر مرتبط با مسئله را کنار گذاشت.

قدم دوم: ارزیابی فهم مفسران مورد تطبیق از آیات و اختلاف آن‌ها

این قدم که بعد از فهم صحیح آیات است، با دو امر ذیل به انجام می‌رسد:

اول: به دست آوردن فهم مفسران از آیات و مورد استناد خود؛ با مراجعه به منابع مفسران مورد نظر باید تفسیر ایشان از آیات مورد استناد آن‌ها را به دست آورد.

دوم: به دست آوردن اختلاف مفسران مورد نظر در فهم آیات و عوامل؛ اختلاف در فهم آیه به یکی از سه شکل کلی اختلاف در «مفهوم»، «مصادق» و «تشخیص نوع گزاره قرآنی» می‌تواند باشد.

در برخی موارد عامل اولیه اختلاف در فهم آیات ممکن است مبانی باشد؛ ولی چون مبانی، از طریق قرائن و قواعدی که تولید می‌کند، در عمل تفسیر اثر می‌گذارد. ما از این دو به عنوان عوامل اختلاف در تفسیر یاد می‌کنیم.

### ۱. اختلاف در مفهوم آیه

اختلاف در مفاهیم به یکی از دو شکل است: ۱. تباین که در آن، هیچ وجه مشترکی بین دو مفهوم نیست؛ ۲. جزء و کل که در آن، که یکی از واژگان تمام معنای دومی را در بردارد. عامل اختلاف در مفهوم می‌تواند اختلاف در قرائت آیه، اختلاف در ریشه معنایی و کاربرد واژگان و اختلاق در جایگاه ادبی واژگان و جملات در آیه باشد.

### ۲. اختلاف در مصادیق آیه

گاه به رغم وفاق دو مفسر در معنای آیه، در مصادیق اختلاف دارند. این اختلاف، در سه حالت تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه از نسب اربعه به وجود می‌آید (مظفر، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۲).

الف) تباین: در حالت تباین قلمروها کاملاً از هم جدا بوده و هیچ مصادیق مشترکی وجود ندارند. مانند اختلاف در مصادیق «أُولِي الْأَمْرِ» در آیه ولایت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹). مفسران شیعه، مصادیق آن را امامان معصوم عليهم السلام می‌دانند؛ ولی فخر رازی به رغم این که باور به معصوم بودن اولی الامر، مصادیق آن را اهل حل و عقد می‌داند. بین این دو مصادیق هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد.



ب) نسبت عموم و خصوص مطلق: در این حالت یکی از این دو مفهوم تمام قلمرو دیگری را در بردارد؛ ولی دیگر بعضی از آن را در برمی‌گیرد. مثل اختلاف در مفهوم ولی در آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵). برخی «ولی» را به معنای یاری‌کننده می‌دانند (طبری، ج ۶، ص ۱۸۶)؛ ولی مفسران شیعه به معنای سرپرستی می‌گیرند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۵۹). «ولی» به معنای یاری‌کننده می‌تواند شامل تمام مصادیق «ولی» به معنای سرپرستی شود؛ لکن مفهوم «ولی» به معنای سرپرستی، تنها برخی مصادیق «ولی» به معنای یاری‌کننده را دربر می‌گیرد.

ج) نسبت عموم و خصوص من وجه: یعنی دو مفهوم کلی، افراد مشترکی داشته و هر یک نیز افرادی مخصوص خود دارند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ...» (نساء، ۵۹) مفسران شیعه مصادیق «أُولِي الْأَمْرِ» را امامان معصوم عليهم السلام می‌دانند؛ بیشتر مفسران اهل سنت هر حاکم، گرچه ستمگر را مصادیق اولی الامر می‌دانند. بعضی از امامان معصوم عليهم السلام بالفعل حاکم هم بودند و برخی از حاکمان نیز معصوم بودند. برخی از حاکمان معصوم نبودند و برخی از امامان عليهم السلام مجال حکومت را پیدا نکردند. بنابراین یک وجه اجتماع دارند: معصوم حاکم و دو وجه افتراق دارد: حاکم غیر معصوم، معصوم غیر حاکم.

### عامل اختلاف در مصادیق

اختلاف مصادیق در مواردی مانند آنچه در سطور پیشین گذشت، از اختلاف در مفهوم واژگان ناشی می‌شود. برخی موارد عامل اختلاف، اختلاف در شأن نزول. مانند اختلاف در مصداق «مِنَ النَّاسِ» در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...»؛ (بقره، ۲۰۷). مفسران شیعه مصداق آن را امام علی عليه السلام می‌دانند که هنگام مهاجرت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم در بستر حضرت خوابیدند. امام سجاد عليه السلام فرمودند: «نزلت في علي عليه السلام حين بات علي فراش رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم» (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴۲). برخی از اهل سنت مصداق آیه را کسی دیگر می‌دانند. واحدی آورده است که آیه شریفه درباره صهیب بن سنان نازل شده، صهیب در مهاجرت از مکه به دست مشرکین افتاد و سپس رهایی پیدا کرد (واحدی، ۱۹۹۸م، ص ۵۶).

### ۳. اختلاف در تشخیص نوع گزاره قرآنی

یک گزاره و قضیه فراتر از موضوع و محمول، ساختاری دارد که مضمون و ام‌دار آن است،

مانند خصوصیات صوری گزاره از حیث کمیت، کیفیت، نسبت و جهت. تمایز گزاره‌ها از حیث حمل اولی و شایع، خارجیه و حقیقه بودن و... در واقع به تمایز ساختاری آن برمی‌گردد؛ تمایزی که علی‌رغم یکسانی موضوع و محمول سبب تفاوت مضمون گزاره می‌گردد. ممکن است مفسران در این‌که قضیه مورد اشاره آیه از کدام قسم است، اختلاف داشته باشند. قضایا از این حیث به لحاظ مختلف قابل تقسیم است. این اقسام عبارت‌اند از:

الف) قضیه حقیقه یا خارجیه. قضیه حقیقه شامل مصداق محقق و مقدر می‌شود؛ ولی قضیه خارجیه تنها فرد محقق خارجی دربر دارد. مثلاً در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵) که موجه کلی است، اگر آن را قضیه حقیقه بدانیم مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» افراد محقق و مقدر انسان خواهد بود و اگر قضیه خارجیه بود، به افراد تجربه شده تاریخی، یعنی امام علی علیه السلام محدود می‌شود.

ب) قضیه مطلقه یا مشروطه: مثلاً در مورد آیه بالا این سؤال مطرح است که آیا پیروی از اولی الامر مطلق بوده و با هر ویژگی لازم است یا مشروط بوده و مراد اولی الامر معصوم است؟ همچنین آیا باید از اولی الامر در تمام افعال و دستورات پیروی کرد و یا در کارهای خاص مانند امور معنوی و اخروی؟

ج) قضیه دائمیه یا حینیه: در قضیه دائمیه، ثبوت حکم برای موضوع دائمی است؛ ولی در قضیه حینیه ویژه زمان خاص است. مثلاً نظریه عصمت همه پیامبران بر اساس آیات، نزد علمای شیعه علمای شیعه یکسان و قضیه دائمیه به نظر می‌رسد. یعنی شیعه بر این باور است که هیچ‌گونه گناهی، از پیامبران سر نمی‌زند؛ در صورتی که نظریه عصمت پیامبران غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد شیخ مفید قضیه حینیه است. ایشان ارتکاب گناهان کوچک غیر عمدی را برای پیامبران غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در زمان پیش از بعثت ممکن می‌دانند (مفید، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۹).

بنابراین در این گام با تکیه بر فهم درستی که از آیات در قدم اول حاصل شده، تفسیر مفسران از آیات مورد استناد را ارزیابی کرده و در اختلاف آن‌ها قضاوت می‌کنیم و نشان می‌دهیم کدام درست و کدام نادرست است.

### گام سوم: استخراج دیدگاه قرآن با توجه به نظر مفسران مورد تطبیق

در این گام با استفاده از تفسیر مفسران مورد نظر از آیات مربوط، دیدگاه قرآن استخراج می‌شود. این امر از طریق ملاحظه جمعی آیات همسو و غیرهمسو به انجام می‌رسد (الصدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷).





## قدم اول: ملاحظه جمعی آیات همسو

آیات مرتبط با مسئله که همسو بوده و تخالف ندارند، دودسته اند: الف) آیات همسوز حیث سور، کیف و جهت و دارای مفهوم یکسان. در این صورت، یک آیه با لحاظ نظر مفسران، در متن بررسی شده و آدرس بقیه در پاورقی می آید. ب) آیات متناظر، مانند آیات بیانگر مفهوم و آیات بیانگر مصداق، آیات محکم و متشابه و آیات بیانگر حقیقت و مجاز. در این صورت، تمام آیات، با عنایت به نظر مفسران بررسی می شود.

## قدم دوم: باهم دیدن آیات متعارض و حل تعارض

«تعارض» در اصطلاح عبارت است از: منافات داشتن و قابل جمع نبودن دو یا چند دلیل در مقام دلالت، به گونه ای که هر دو نمی تواند صادق باشد (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۳۷). مراد الهی از آیات به صورت قضیه بیان شده است. دو قضیه در صورتی است که از لحاظ موضوع و محمول یکسان باشند؛ ولی از جهت سور (کلی یا جزئی بودن) یا نسبت (ایجاب یا سلب حکم از موضوع) یا هر دو متفاوت، تقابل خواهند داشت. اقسام تقابل عبارت اند از: تناقض، تضاد، تداخل و تداخل تضاد. تعارض بین قضایا از یک حیث، دو گونه است: مستقر و غیرمستقر. در ادامه وجود یا عدم وجود آن دو در قرآن و راهکارهای رفع را بررسی می کنیم.

### ۱-۲. حل تعارض پایدار در قرآن

در تعارض پایدار، دو یا چند آیه، به گونه ای باهم تنافی دارند که جمع عرفی میان آن ها ممکن نبوده و هر یک مدلول دیگری را نفی می کند (ر.ک: الصدر، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۴۲). در این نوع تعارض دو حالت متصور است:

حالت اول: تعادل بین دودسته آیات از هر جهت. این نوع تعارض در قرآن وجود ندارد؛ زیرا لازمه اش دو امر غیر مقبول است: اول خلاف واقع بودن یکی از آیات؛ دوم، وجود اختلاف در قرآن. حال آن که اولاً، قرآن واقع نما است (ر.ک: احزاب، ۴؛ نساء، ۷۸؛ لقمان، ۲؛ حج، ۵۴؛ و نیز کریمی ۱۳۸۶ش، ص ۳۲۲-۳۲۶)؛ ثانیاً، قرآن از هر گونه اختلاف درونی پیراسته است (ر.ک: نساء، ۸۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸؛ الطباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۲-۷۳).

حالت دوم: رجحان یکی بر دیگری. چون در قرآن مسئله تفاوت سند و جهت مطرح نیست، تنها دلالت آیات لحاظ می شود. در میان آیات متعارض که قوت دلالت ذاتی آن ها بر مسئله در

یک حد است؛ آیه‌ای که دلالت آن با قراین دیگری مانند روایت یا حکم عقل یا تجربه تقویت شود، ترجیح داشته و مقدم می‌شود (ر.ک: یزدی، ۱۳۲۶ق، ص ۴۴؛ نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۲۶).  
یادآور می‌شویم، میان آیات ناسخ و منسوخ تعارضی وجود ندارد؛ زیرا یکی از شرایط تعارض وحدت زمان است. زمان انجام حکم آیه منسوخ و ناسخ متفاوت است (ر.ک: عنایه، بی‌تا، ص ۱۵۷ و ۱۵۹).

## ۲-۲. حل تعارض ناپایدار

گاه تعارض غیرمستقر بدوی و ناپایدار بوده و با تأمل می‌توان میان دلالت آن دو جمع کرد (ر.ک: یزدی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۹؛ خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵). با استفاده از سخن مفسران مورد نظر باید نوع آیات متعارض از جهت دلالت و راه رفع تعارض را شناخت و به کار بست. این راهکارها عبارت‌اند از: الف) تقدم آیه به دلالت قوی. عبارت و آیه نص قوی تر از ظاهر بوده و بر آن مقدم می‌شود؛ زیرا نص صریح در مطلب است؛ ولی دلالت کلام ظاهر بر مراد گوینده چند احتمال را برمی‌تابد که از میان آن‌ها، یکی زودتر به ذهن می‌آید (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۹). نصّ قرینه تصرف در ظاهر می‌شود. آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام، ۱۰۳) نص و آیات «وَجُوهٌ يُؤْمِنُونَ بِهَا نَاصِرَةٌ؛ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت، ۲۳-۲۲) ظاهر است. آیه اول قرینه است بر این که رؤیت خداوند با قلب است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۳۸؛ ج ۲، ص ۱۱۲).

ب) تخصیص آیه عام با آیه خاص. «عام» کلیه افراد و مصادیق خود را شامل می‌شود (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۹). در تعارض دو آیه عام و خاص، اگر زمان نزول آیه عام مقدم باشد، آیه خاص آن را تخصیص می‌زند. (خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۵ و ۷۶) اما اگر زمان نزول خاص مقدم باشد، اگر آیات مسائل غیر رفتاری، یعنی بینش و گرایش را بیان می‌کند؛ آیه عام با آیه خاص تخصیص می‌خورد. اما اگر آیات مربوط به عمل باشد، دو احتمال تخصیص و نسخ مطرح خواهد بود که در تحت عنوان «تخصیص و نسخ» خواهد آمد.

ج) تقييد آیه مطلق با آیه مقید. مطلق بر معنایی دارای افراد دلالت می‌کند (مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۷۳). مقید کلمه‌ای است که با افزودن قیدی دایره شمول آن محدود شده است (آخوند خراسانی، ۱۳۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۶). آیه مقید، آیه مطلق را تقييد می‌زند.

د) مقدم کردن آیه عام بر آیه مطلق. به دو دلیل دلالت عام بر افراد قوی بوده و بر مطلق مقدم می‌شود: ۱. تنجیزی بودن ظهور عام و معلق بودن ظهور مطلق به وجود مقدمات حکمت. از جمله مقدمات حکمت، نبود قرینه است و عام صلاحیت قرینه بودن را دارد (انصاری، ۱۴۱۶ق، ص ۷۹۲).



۲. موضوع حکم عام اصولی، کل فرد است؛ ولی موضوع حکم در مطلق، طبیعت است و دلالتی بر افراد ندارد (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۲۹؛ خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۵).

هـ) تصرف در ناحیه موضوع یک آیه با آیه دیگر. گاه دلیلی بر دیگری حکومت دارد و با تصرف در ناحیه موضوع، برخی از افراد آن را از حکم خارج یا برخی را در آن وارد می‌کند. (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۱۰). به عنوان نمونه «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مؤمنون، ۱۰۲) برپایی میزان اعمال در قیامت را مطرح می‌کند. آیه دیگر سنجش اعمال کفار در قیامت را نفی می‌کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» (کهف، ۱۰۵). آیه دوم بر آیه اول حاکم است و موضوع آن را بر عمل باقی، منحصر می‌کند. اعمال کافران را که حبط شده است، فاقد وزن می‌شمارد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۰؛ ج ۲، ص ۱۷۲-۱۶۹).

و) از بین بردن موضوع یک آیه با آیه دیگر. مواردی یک دلیل، با تعدد شرعی، موضوع دلیل دیگر را حقیقتاً از بین می‌برد که در اصطلاح به آن ورود گویند (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۳-۲۲۴). مثلاً آیه «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره، ۱۸۲) به صورت مطلق روزه را واجب می‌شمارد و آیه «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸) حکم حرجی از دین الهی را نفی کرده (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۴۱۲) و موضوع آیه اول را به روزه غیر حرجی مربوط می‌سازد.

ز) متفاوت دانستن موضوع هریک از آیات. در برخی موارد به رغم این که دو دلیل در ظاهر موضوعی مشترک دارند، با دقت روشن می‌شود، موضوعات آن‌ها یکی نیست و هریک برای یک مفهوم، مصادیق متفاوتی ذکر می‌کند (ر.ک: اعراف، ۵۴؛ ق، ۳۸؛ فصلت، ۱۲۹؛ الطباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۴) و اشاره هر یک از آیات به مرحله متفاوت است (ر.ک: مؤمنون، ۱۰۱؛ صافات، ۲۷؛ نیز معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۶۰-۲۸۲) یا هریک از آیات معنای متفاوتی از واژه را اراده می‌کند. مثلاً نسیان در آیه «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم، ۶۴) به معنای فراموشی است؛ ولی مراد از آن در آیه «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِيْنَهُمْ هُنُوًا وَّلِعْبًا وَعَزَّوهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (اعراف، ۵۱) به فراموشی سپردن و بی‌اعتنا بودن است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۷ و ۱۸۸).

### مرحله هفتم: ارزیابی دیدگاه مفسران مورد نظر

بعد از به دست آوردن نظر قرآن در باب مسئله با طی مراحل چندگانه و گام‌های لازم و عنایت به دیدگاه طرف‌های تطبیق، باید در مورد صحت و سقم دیدگاه مفسران مورد نظر قضاوت کرد. با توجه به نوع تقابل بین آن‌ها یکی از چند حالت را خواهد داشت: ۱. یکی از دیدگاه‌ها درست و

دیگری نادرست، که باید مشخص شود کدام درست و مطابق نظر قرآن است و کدام نادرست. این حالت در صورتی که دو دیدگاه متناقض باشند؛ ۲. یکی از دیدگاه‌ها یا هر دو نادرست، که باید دیدگاه درست معین شود. این حالت در صورتی است که تقابل بین دیدگاه‌ها تضاد باشد که در آن سوره هر دو کل است؛ و لی سوره دیدگاه قرآن بعض است. مانند در قیامت بعضی دوستی‌های از بین می‌ورد؛ ۳. دیدگاهی کمال و دیگر ناقص است. این حالت وقتی رخ می‌دهد که تقابل دو دیدگاه به تداخل باشد و یکی تمام حقیقت قرآنی را و دیگری بخشی از آن را بیان کرده است. در این صورت باید دیدگاه کامل را معین کرد؛ ۴. هر دو دیدگاه ناقص، این حال در صورتی است که هر کدام از دیدگاه‌ها بخشی حقیقت قرآنی را بیان کرده‌اند.

## نتیجه‌گیری

از بررسی معلوم شد:

۱. هدف اصلی در تفسیر تطبیقی دستیابی به نظر قرآن بوده و مقایسه دیدگاه مفسران و نشان دادن موارد وفاق و اختلاف، تنها مسیر رسیدن به آن است.
۲. برای رسیدن به نظر قرآن با روش تفسیر موضوعی تطبیقی، باید مراحل هفت‌گانه را طی کرد که عبارت‌اند از: انتخاب مسئله مورد اختلاف، توضیح مسأله و واژگان کلیدی آن، طراحی ساختار، مشخص کردن طرف‌های تطبیق، مشخص کردن گونه‌های اختلاف، استخراج دیدگاه قرآن با عنایت مطالب مفسران، قضاوت در باره صحت و سقم دیدگاه‌های مفسران مورد نظر.
۳. مرحله استخراج دیدگاه قرآن گام‌های دارد که عبارتند از: استخراج آیات، فهم در جایگاه خود، استخراج دیدگاه قرآن. در هر گام، کار مفسران نیز ارزیابی می‌شود.
۴. اقدامات مربوط به فهم آیات در جایگاه خود عبارت‌اند از: کسب اطمینان از الهی بودن متن قرائت آیه، شناخت معانی واژگان، به دست آوردن موقعیت ادبی واژگان و عبارت‌ها، کشف مفاد استعمالی آیات، به دست آوردن مراد جدی الهی از آیات.
۵. استخراج دیدگاه قرآن، با ملاحظه جمعی آیات همسو و باهم دیدن آیات متعارض و حل تعارض از آن‌ها انجام می‌گیرد.
۶. با معیار قرار دادن دیدگاه قرآنی استخراج شده، می‌توان دیدگاه مفسران مورد نظر را ارزیابی کرد و مقدار تطابق آن با دیدگاه صحیح نشان داد.



## منابع

- \* قرآن کریم (با ترجمه محمد مهدی فولادوند).
- \* نهج البلاغه، نسخه صحیحی صالح.
۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، قم، المؤسسة آل البيت علیهم السلام.
  ۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی علیه السلام.
  ۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۱۱ق)، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، بیروت، دار الجیل.
  ۴. اسعدی، محمد، (۱۳۸۵ش)، سایه ها و ولایه های معنایی؛ درآمدی بر «نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری»، قم، بوستان کتاب.
  ۵. انصاری، مرتضی، فراند الاصول، ۱۴۱۶ق، ج ۵، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۶. ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۸۱ش)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: آرام، احمد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
  ۷. بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۱ش)، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
  ۸. بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۴ش)، قواعد تفسیر، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۹. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۷ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة.
  ۱۰. بلاغی، محمد جواد، (۱۴۲۰ق) آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
  ۱۱. پیروزفر، سهیلا و جمالی راد، فهیمه، (بهار و تابستان ۱۳۹۲) سازگاری تفسیر آیات با دو رویکرد مجموعی و تفکیکی، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۸۶-۱۰۰.
  ۱۲. تونی، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۵ق)، الوافیة فی أصول الفقه، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
  ۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۷ش)، شریعت در آینه معرفت، قم، مرکز نشر اسراء.
  ۱۴. حائری اصفهانی، محمد حسین بن عبدالرحیم، (۱۴۰۴ق)، الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، قم، دار احیاء العلوم الاسلامیة.
  ۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
  ۱۶. حکیم، سید محمد باقر، (۱۴۲۸ق)، علوم القرآن، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
  ۱۷. الحلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۵ق)، نهاییة الوصول الی علم الأصول، قم، مؤسسة الامام الصادق علیه السلام.
  ۱۸. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان؛ ناهید.
  ۱۹. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۵ش)، التعادل والترجیح، تهران، ج ۱، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
  ۲۰. امام خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۰ق)، الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
  ۲۱. دراز، محمد عبدالله، (۱۳۹۴ق)، النبأ العظیم، کویت، دار القلم.
  ۲۲. رجبی، محمود، (۱۳۸۳ش)، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۹ش)، «روش مطالعات تطبیقی در قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره اول.
  ۲۴. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۴۰۸ق)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر.
  ۲۵. الزرکشی، محمد، (بی تا)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، محمد، بیروت، دارالمعرفة.
  ۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (بی تا)، البهجة المرضیة علی الفیة ابن مالک، قم، اسماعیلیان، ج ۱۹.
  ۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (بی تا)، المزهر فی علوم اللغة وانواعها، بیروت، دارالفکر.
  ۲۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ق)، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، شارح: آل کاشف الغطاء، محمد رضا، بیروت، دارالأضواء.
  ۲۹. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ق)، المدرسة القرآنیة، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیة للشهید صدر.

۳۰. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۸ق)، *دروس فی علم الاصول*، ج ۵، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: الرسولی محلاتی، السیدهاشم و الیزدی الطباطبایی، السید فضل الله، بیروت، دارالمعرفة.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مکتبه اعلام الاسلامی.
۳۷. عسگری، انسیه و شاکر، محمد کاظم، (زمستان ۱۳۹۴) «*ضوابط علمی و کاربردی تفسیر تطبیقی*»، پژوهش های قرآنی، سال بیستم، شماره ۷۷، ص ۴-۲۱.
۳۸. عنایة، غازی، (بی تا)، *شبهات حول القرآن و تفنیدها*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۳۹. عوده، خلیل عوده، (۱۴۰۵ق)، *التطور الدلالی بین لغة الشعر الجاهلی و لغة القرآن*، ج ۱، اردن، مکتبه المنار.
۴۰. فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، محقق: نجار، محمد علی و نجاتی، احمدیوسف، قاهره، الیهیة المصریة العامة للكتاب.
۴۱. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۸۸ش)، *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی*، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴۲. کریمی، مصطفی، (۱۳۸۶ش)، *وحی شناسی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۳. کریمی، مصطفی، (آبان ۱۳۸۸ش)، «*موانع و آسیب های غیر معرفتی تفسیر قرآن*»، مجله معرفت، شماره ۱۴۳، ص ۳۳-۵۳.
۴۴. کریمی، مصطفی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش)، «*ماهیت تفسیر موضوعی*»، مجله قرآن شناخت، شماره ۶.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۴۶. محمدی، علی، (۱۳۸۵ش)، *شرح کفایة الاصول*، قم، الامام الحسن بن علی علیه السلام.
۴۷. مسلم، مصطفی، (۱۴۲۱ق)، *مباحث فی التفسیر الموضوعی*، دمشق، دارالقلم.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۱ش)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق: شریفی، احمد حسین، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۹. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۶ش)، *معارف قرآن*، (ج ۳): *خداشناسی، کیهان شناسی و انسان شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴ش)، *مجموعه آثار*، ج ۲، *آشنایی با قرآن (۱-۵)*، تهران، انتشارات صدرا.
۵۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷ش)، *مجموعه آثار ج ۲۳ (آزادی معنوی)*، قم، صدرا.
۵۲. مظفر، محمد رضا، (۱۳۸۸ق)، *المنطق*، ج ۲، النجف، مطبعة النعمان.
۵۳. مظفر، محمد رضا، (۱۴۰۸ق)، *اصول الفقه*، قم، اسماعیلیان.
۵۴. معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۳ق)، *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*، قم، موسسه التمهید.
۵۵. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۱ش) *اوائیل المقالات*، تیریز انتشارات حقیقت.
۵۶. مفید، محمد بن محمد بن النعمان، (۱۴۱۳ق)، *مصنفات الشیخ المفید: الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، المؤتمر العالی لالفیة الشیخ المفید.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۶۷ش)، *پیام قرآن: روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶ش)، *فوائد الاصول*، تقریرات: خراسانی، محمد کاظم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۹. واحدی، علی بن احمد، *اسباب النزول*، تحقیق: شعبان، ایمن صالح، قاهره، دارالحدیث.
۶۰. هندی، المتقی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۶۱. یزدی، محمد کاظم، (۱۴۲۶ق)، *التعارض*، قم، مؤسسه انتشارات مدین.



# Abstracts

Translated by:  
Hamid Reza Borhani

